

تاریخ اجتماعی ایران

جلد پنجم

حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز

www.Bakhtiaries.com

تالیف

مرتضی راوندی

تیراژ: ۵۵۰۰ نسخه

چاپ: چاپخانه کتیبه

لیتوگرافی: تصویر

چاپ دوم: پاییز ۱۳۶۴

ناشر: مؤلف

با مطالعه تاریخ اقتصادی ایران، خوانندگان با زندگی روزمره ایرانیان و تلاش نیاکان ما، درراه بهبود زندگی خود از کهن‌ترین ایام تا عصر حاضر آشنا می‌شوند.
در فصل اول، زندگی اقتصادی مردم ایران و ملل تابع، در عهد شاهنشاهی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل بعد زندگی اقتصادی و تجاری ایران و بعضی از ملل اسلامی بعد از ظهور اسلام، سیاست اقتصادی اعراب، وضع طبقات مختلف، شکفتگی و پیشرفت صنعت و کشاورزی ایران از عهد ساسانیان تا حمله مغول، وضع عمومی و مختصات شهرها، ارزش اقتصادی و صنعتی هریک از بلاد و مناطق ایران، وضع خیابانها، کوچه‌ها و کاروانسراها، حوادث و بلیات ناگوار اقتصادی و اجتماعی در طول تاریخ، نظیر: خشکسالی، قحطی، وبا، طاعون و دیگر امراض همه‌گیر. — معامله و داد و ستد و سیر تکاملی آن، مظاهری از تمدن قرون وسطایی ایران، طرز مسافرت، راهها و وسایل نقلیه، مشکلات تجارت، بازرگانی و مسافرت در خشکی و دریا — آراء و نظریات اقتصادی متفکران ایرانی از عهد زرتشت تا روزگار ما — افکار و اندیشه‌های اقتصادی در غرب از یونان باستان تا عصر حاضر، علل پیشی گرفتن غرب بر شرق و آثار انقلاب صنعتی و رشد ماشینیسیم، پدیده استعمار و عوارض آن، علل و عوامل توسعه و انحطاط اقتصادی و دیگر مطالب متنوع، از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

برای توصیف و بیان زندگی اقتصادی نیاکان ما، مولف کتاب پس از تحقیق و ممارست بسیار و مطالعه در متون کهن و تتبعات محققین و نویسندگان عصر حاضر، موفق شده است مطالبی جامع برای پژوهندگان و دانشجویان رشته اقتصاد فراهم آورد.

چنانکه در این کتاب می‌بینیم، با آنکه ایران در تمام مظاهر زندگی اجتماعی و اقتصادی تا قرن هفدهم دارای تاریخی درخشان و قدرتی انکارناپذیر بوده، و از جهت ارزشهای فرهنگی و اجتماعی سرآمد کشورهای تمدن جهان در قرون وسطی و قرون جدید بشمار می‌رفته است از اواخر قرن هفدهم میلادی در اثر رشد ماشینیسیم و انقلاب صنعتی و نفوذ سیاستهای استعماری بتدریج از وسعت خاک ایران کاسته شد و اکثر صنایع دستی و موسسات اقتصادی و کارگاههای پارچه بافی و دیگر صنایع ظریف یدی که مجموعاً احتیاجات ایران را تامین می‌کرد، رو به تعطیل نهاد و سیل کالاهای خارجی از انگلستان و فرانسه و دیگر کشورهای صنعتی به ایران روان گردید و این سیاست شوم، یعنی مداخله اجانب در وضع عمومی کشور از اواخر عهد صفوی یعنی از زمان پادشاهی شاه سلیمان آغاز گردید و از دوره فتحعلیشاه به بعد در اثر غفلت زمامداران و رواج جهل و فساد و خیانت رو به فزونی نهاد و تلاش مردان شرافتمندی چون قائم مقام قراقرانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر و سید جمال‌الدین اسدآبادی در راه احیای استقلال و تجدید موقعیت اجتماعی و اقتصادی ایران، در اثر کارشکنی علنی اجانب و خیانت پادشاهان قاجاریه و بعضی رجال مزدور آن دوره به ثمر نرسید و ایران کمابیش به صورت یک کشور نیمه مستعمره و وابسته

به قدرتهای بزرگ درآمد و اینحال یعنی مداخله بیگانگان تا استقرار جمهوری اسلامی که به مداخله شرق و غرب در ایران پایان بخشید، ادامه یافت.

نکته بی که ذکر آن در این مقدمه ضروریست، اینکه در این کتاب نه تنها از عقاید و افکار اقتصادی دانشمندان و صاحب نظران ایران سخن به میان آمده است، بلکه برای مقایسه بین آراء شرق و غرب و حفظ بی طرفی به طور اجمال به نظریات اقتصادی اروپائیان و افکار مادی طبیعیون، فیزیوکراتها، کلاسیکها و طرفداران اصالت فرد، ماتریالیستها (مادیون) سوسیالیستها و سایر مکاتب اشاره‌هایی شده است و ذکر این عقاید و افکار برای رعایت مبانی علمی و اخلاقی و حفظ اصول امانت و طرح مسائل اقتصادی بوده است و چه برخی از عقاید و افکار مطروحه در این کتاب مورد تأیید مؤلف و ناشر این کتاب نمی باشد.

- صفحه ۱
 فصل اول- زندگی اقتصادی مردم از آغاز تا ظهور اسلام
 ۴ » تلاش اقتصادی انسان ابتدائی
 ۳۸ » وضع اقتصادی ملل تابع شاهنشاهی از عهد هخامنشیان تا سقوط حکومت ساسانیان
- فصل دوم- زندگی اقتصادی و تجاری ایرانیان و ملل اسلامی بعد از ظهور اسلام
 ۵۳ » وضع اقتصادی و تجاری ایران و ملل اسلامی بعد از ظهور اسلام
 ۵۵ » وضع اقتصادی طبقات مختلف بعد از اسلام
 ۸۱ » مختصات اقتصادی کشورهای اسلامی
 ۱۰۵ » وضع اجتماعی و اقتصادی ایران پس از حمله مغول
 ۱۲۷ »
- فصل سوم- وضع عمومی شهرها در قرون وسطی
 ۲۴۷ » وضع شهرها بعد از ظهور اسلام
 ۲۴۸ »
- فصل چهارم- ارزش اقتصادی و صنعتی شهرهای ایران در قرون وسطی
 ۳۷۵ » اوضاع اقتصادی شهرهای ایران در قرون وسطی
 ۳۷۷ »
- فصل پنجم- حوادث ناگوار تاریخی
 ۴۱۳ » خشکسالی، قحطی، اسراف و بلیات اجتماعی در ایران قرون وسطی
 ۴۱۵ »
- فصل ششم- داد و ستد و معاملات
 ۴۴۵ » سیر تکاملی داد و ستد و معاملات
 ۴۴۷ »
- فصل هفتم- مظاهر تمدن
 ۴۹۱ » مظاهری چند از تمدن قرون وسطایی در شهرهای ایران
 ۴۹۳ »

فصل هشتم- راهها و وسایل نقلیه ۵۲۷*

۵۲۹* طرز مسافرت ، راهها و وسایل نقلیه در قرون وسطی

www.Bakhtiaries.com

فصل نهم- نظریات اقتصادی در شرق ۶۲۹*

۶۳۱* سابقه نظریات اقتصادی در ایران

۶۳۸* نقش مالکیت و خون در نظام اقتصادی و اجتماعی عهدساسانی

۶۴۵* آراء و نظریات اقتصادی در ایران بعد از اسلام

فصل دهم- افکار و اندیشه‌های اقتصادی در غرب ۷۲۱*

۷۳۳* نگاهی به غرب

۷۴۰* تأثیر رنسانس در رشد نهضت سرمایه‌داری

۷۶۱* پیشی گرفتن غرب بر شرق

فصل اول

زندگی اقتصادی مردم از آغاز تا ظهور اسلام

فصل اول



انسان ابتدایی یا انسان میمون‌نما در ایران، مانند دیگر کشورهای کهن، لخت‌وعور، در دامان طبیعت زندگی می‌کرد، و برای ادامه زندگی ناچار بود با درندگان و عوامل ناساعد طبیعت مبارزه کند و حیوانات ضعیفتر از خود را شکار، و گوشت‌خام آنها را تناول کند و یا از میوه درختان و برگ و ریشه گیاهان سدجوع نماید. زندگی انسان، در این مرحله تاریخی، توأم با وحشت و لگرانی دائمی بود؛ زیرا بشر ابتدایی در عین حال که با سنگ و چوب شکار می‌کرد، خود در معرض خطر بود و ممکن بود، هر آن، شکار و طعمه حیوانات درنده قرار گیرد. در روزگاری، شکار یک وسیله تفریح و وقت‌گذرانی است، ولی در دنیای قدیم، این عمل برای شکارچی و حیوان شکار شده، هردو، مسأله حیات و ممات بشمار می‌رفته است. «سوزه‌ها، پر است از آثار و افزارهای جنگی، مانند کارد و تیرو کمان و نیزه و دام و فلاخن و جز اینها، که بوسیله آنها، انسان توانسته است آقایی و سیادت خود را بر قبای زمینی خود استوار سازد، و راه را برای اخلاف حق-ناشناس خود، هموار کند تا بتوانند بدون ترس از حمله هر جانوری جز انسان بیاسایند.»^۱

ویل دورانت، ضمن بحث در پیرامون عوامل اقتصادی تمدن، می‌نویسد: «در آخرین تحلیل مدنیت، به این نکته می‌رسیم که مسأله خودکاک انسان و تهیه آن، بنیان تمدن را تشکیل می‌دهد. کلیسا و موزه هنر و تالار موسیقی و کتابخانه و دانشگاه، همه، روکار بنای تمدن هستند و باید چشم داشت و در پشت این ظاهر، کشتارگاه را دید. زندگی با شکار هیچ جنبه ابتکاری نمی‌تواند داشته باشد؛ اگر آدمی در همین مرحله می‌ماند، چیزی جز یکی از هزاران گوشت‌خوار دیگر نبود. هنگامی بشر توانست گوهر انسانی خود را آشکار سازد که زندگی او از مرحله متزلزل شکار خارج شد.

مختصات زندگی

به نظر جامعه‌شناسان، از زمانی که انسانهای میمون‌نما پیدا شدند تا زمانی که اجتماع طبقاتی بوجود آمد، انسان‌نماها بطور اشتراکی با هم زندگی می‌کردند. این دوره را دوره «کمونها» یا «جماعات اولیه» می‌گویند که طولانیترین ادوار تاریخی حیات بشر است و از بیش از دو میلیون سال قبل شروع شده و با پیدایش طبقات و تکامل افزارهای تولیدی، این دوره بسیار طولانی سپری گردیده است.

۱. ویل دورانت، مشرق زمین؛ گاهواره تمدن (تاریخ تمدن). بخش اول، کتاب اول، ترجمه احمد آرام،

بهترین صفت مشخصه این دوره، فقدان مالکیت خصوصی و نبودن طبقات است. این سالها بصورت گروههای کوچک و مستقل زندگی می کردند، تمام اعضای هر جماعت (کمون) متساوی الحقوق بودند و بدون استثنا، در تولید و تحصیل وسایل زندگی شرکت و معاونت می کردند و هنگام بروز حوادث، بهیاری هم می پرداختند. در برابر بیماریهای طبیعت، و در مبارزه با عوامل ناساعد، همین گروهها و جماعتهای کوچک و مستقل (کمونها) همبستگی و اتحاد بیشتری نشان می دادند. این نظام اجتماعی، چنانکه گفتیم، طولانیترین دوران، در تاریخ بشری است، و به دو دوره تقسیم می شود: دوره اول، دوران شکل گرفتن یا پیدایش انسان و اجتماع است؛ دوره دوم، زمانی است که انسان بصورت کنونی نزدیک شد، ابزارهای تولیدی تکامل یافت و طبقات بوجود آمدند. صاحب نظران معتقدند که انسانها شکل و قیافه کنونی را از هفتاد تا پنجاه هزار سال قبل، پیدا کرده اند. اولین اسکلتهای انسانها از نوع کنونی، در غار «کرومانیون» در فرانسه پیدا شد. بهمین مناسبت، این انسانها را انسانهای کرومانیون می گویند، که یادگار نخستین دوره دیرین سنگی یا «پالئولیتیک»^۱ می باشند.

از مشخصات این دوره، سلاحهای سنگی، از نوع چاقوست و از آلتی که از آن دوران بدست آمده پیداست که آنها شکارچیان حیوانات بزرگ، از نوع گوزن، ماسوت، گاو شاخدار، خرس و بزکوهی بودند.^۲

لاگفته نگذاریم که ولز در کلیات قادیخ خود، در پیرامون انسانهای نئاندرتال، که در حدود دوستانه پنجاه هزار سال پیش می زیستند، می نویسد: «این مردان نئاندرتال، چه شکار می کردند؟ تنها حربه کشتار ایشان، برای از پا درآوردن جانوران هیولایی مانند ماسوت یا خرسهای غارنشین و حتی گوزن، همانا نیزه چوبین، چماق چوبین و سنگ پرتاب و تکه های بزرگ سنگ چخماق بود که تاکنون بازمانده، و بنام ابزار «موستری» شناخته شده است.»

ولز، در این که آدمیان وحشی توانسته باشند جانورانی بسیار بزرگتر از خرگوش و موش صحرایی را شکار کنند، اظهار تردید می کند و می نویسد: آدمی شاید بیشتر شکار دیگران بود تا دیگران شکار او. انسان وحشی نخستین، هم علفخوار بود و هم گوشتخوار؛ فندق و جوز و شاه - بلوط و بادام زمینی و بلوط می خورد. سیب و حتی توت فرنگی، انواع ساقه های زمینی خوراکی، و گیاهانی مانند آن... تخم مرغان و جوجگان و عسل و سوم زنبوران و سوسمار و حلزون و تورباغه را می خورد. ماهی، چه زنده چه مرده و جانوران دریایی و پرندگان و پستانداران را شکار می کرد و تناول می نمود.^۳

1. Paléolithique

۲. «دائرة المعارف نوجوانان و جوانان» از انتشارات آکادمی علوم تعلیم و تربیت، مسکو (۱۹۷۵) ترجمه علی اسفندیجانی، ص ۱۳ به بعد.

۳. راک، ج. ۸، ۵، ۷، ۸، کلیات قادیخ ترجمه مسعود رحب بابا، ص ۲۰.

مراحل ماقبل تاریخ

| نوع صنایع | نوع آدم | نام دوران | فاصله زمانی از دوران ما |
|------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|-----------------|-------------------------|
| ضربت مشت و آتش | آدم آتلانید و آدم میمون شکل | پالئولیتیک سفلی | هائصد هزار سال قبل |
| کارد و درفش و غیره از سنگ تراش داده شده | آدم نئاندرتال، آدم فون تشواد Fontéchevade آدم اسوانسکومب Swantcombe | پالئولیتیک وسطی | ۲۵۰ هزار سال قبل |
| انواع اسباب و ابزار از چماق تراش داده شده و از استخوان، نقوش متفاوت بر روی صخره‌ها | آدم کرومانیون (انسان عاقل) | پالئولیتیک علیا | ۱۵۰ هزار سال قبل |

«از انسان کرومانیون، که قبلاً از او یاد کردیم، نقاشیهای جالبی در غار اسپانیا و دیگر نقاط به یادگار مانده است. از روی آثاری که توسط باستان‌شناسان بدست آمده، می‌توان دریافت که انسانهای دوره پالئولیتیک (علیا که در حدود ۱۰ هزار سال قبل زندگی می‌کردند) قادر بودند باوای زبستانی محکمی برای خود آماده کنند. برای پوشش این مساکن، نه تنها از سنگ بلکه از چوب و استخوان مسوتها و گوزنها استفاده می‌کردند و بالای آن را بوسیله شاخه‌ها و پوست درختان می‌پوشانیدند. با مطالعه وضع مسکن انسانهای عهد دیرین سنگی، می‌توان گفت، زندگی مردم آن روزگار از بسیاری جهات شبیه به زندگی جماعات (کمونها) و جمعیتهای ایلاتی و عشیرتی عصر حاضر است که اکنون نمونه آنها را در استرالیا و افریقای جنوبی و قبایل شکارچی سرخپوست آمریکای شمالی می‌توان دید. سرگان، محقق و پژوهشگر آمریکایی، نخستین کسی است که در این راه به مطالعه و تحقیق پرداخت. وی در نتیجه مطالعاتی که در سال ۱۸۴۷ در قبیله «ابروکس» در آمریکا انجام داده به این نتیجه رسیده است که هر قبیله اسم مخصوص بخود داشته و قبایل گوناگون سرخپوست آمریکای شمالی، از جهت سازمان اجتماعی و قبیله‌ای به هم شبیه‌اند. او علاقه‌مند شد که سیر تکاملی جوامع بشری را در دیگر نقاط مورد مطالعه قرار دهد. برای تحصیل اطلاعات، نامه‌هایی به نقاط مختلف جهان فرستاد و از افراد ذیصلاحیت خواست که راجع به قبایل ابتدایی در استرالیا، آسیا و دیگر نقاط به مطالعه و تحقیق پردازند و حاصل بررسیهای خود را برای او بنویسند. پس از وصول پاسخها، سرگان با شگفتی و تعجب فراوان دریافت که تقریباً تمام قبایل ابتدایی و دور از فرهنگ، در شرایط واحدی زندگی می‌کنند: تمام این قبایل کوچ‌نشین متفقاً به کار جمع‌آوری غذا می‌روند؛

سازمان جماعات بدوی، و مناسبات خانوادگی این قبایل، کم و بیش یکسان، و کلاً دسته‌جمعی قانون اساسی این قبایل است. سرگان، پس از مشاهده این خصوصیات در قبایل گوناگون، از خود پرسید آیا ممکن است این نظام اجتماعی یک مرحله حتمی در تاریخ تکامل اجتماعات بشری باشد؟ اگر این قانون کلی تکامل اجتماع باشد، باید تمام ملل جهان از جمله ملل متمدن آسیا و اروپا از این مرحله گذشته باشند.

سرگان با شور و شوق و علاقه فراوان، به مطالعه گذشته تاریخی یونانیها، روسیها و آلمانیها پرداخت؛ در نتیجه پژوهشها و تحقیقاتی که بعمل آورد، موفق گردید که در سال ۱۸۷۷ در اثر معروف خود به نام اجتماعات کهن، تصویر جالبی از نخستین گروههای بشری نشان دهد. به نظر او، تمام اجتماعات در طول تاریخ پرماجرایی خود، از مرحله نظام عشیره‌ای و قبیله‌ای که مبتنی بر مناسبات خویشاوندی بوده گذشته‌اند.

بعدها، دو تن از دانشمندان آلمانی، به نام سارکس و انگلس، کار علمی و پژوهشی این دانشمند آمریکایی را دقیقاً بررسی و ارزشیابی کردند. انگلس نوشت که سرگان با تحقیقات گرانقدر خود، خطوط اصلی تاریخ غیر مستند ما را که هیچ مدرکی درباره آنها وجود نداشت، روشن کرد. او ضمن مطالعه در وضع اجتماعی و خانوادگی سرخپوستان آمریکای شمالی، کلید معمای تاریخ باستانی یونان و روم و آلمان را، که تا آن تاریخ مکتوم بود، کشف و آشکار کرد. سارکس و انگلس، با استفاده از مطالعات سرگان، به درک مادی تاریخ توفیق یافتند. تا پیش از این مطالعات، دانشمندان تصور می‌کردند که تاریخ، برخلاف طبیعت، تابع هیچگونه قوانینی نیست، و سرنوشت ملل به تمایلات و نبوغ افراد برجسته بستگی دارد، یا به عبارت دیگر، سپهسالاران و شهریاران، تاریخ بشر را می‌سازند؛ غافل از آنکه سیروروند تاریخ تابع شرایط مادی و محیطی است که انسانها در آن زندگی می‌کنند، زحمت می‌کشند و تربیت می‌شوند.

به نظر دانشمندان مکاتب جدید طرز زندگی انسانها، در درجه اول، منوط به این است که آنها به چه طریقی وسایل معیشتی خود را فراهم می‌کنند؛ یعنی تابع سطح تولید اجتماعی است. به دیگر سخن، نحوه زندگی اقتصادی آنها با زندگی اجتماعیشان پیوستگی و تشابه بسیار دارد. در مناطقی که شرایط طبیعی مساعد بوده، مردم در راه توسعه و تکامل اقتصادی گامهای سریعتری برداشته‌اند، و در آنجا که شرایط اقلیمی نامساعد بوده، انسانها کمتر زندگی کرده‌اند و ترقی و تکامل وسایل تولیدی کندتر بوده است. به همین علت، قبایل و اقوام کنونی که در حال توحش زندگی می‌کنند، می‌توانند بعنوان یک الگو و منبع بررسی، برای دانش عمومی ما، مورد پژوهش قرار بگیرند و روشنگر و نشان‌دهنده تاریخ گذشته دور انسانها باشند.

در سال ۱۸۸۴ «انگلس» در کتاب منشأ خانواده، دولت و مالکیت خصوصی، — سیر تکاملی نخستین اجتماعات بشری را تا تشکیل خانواده، و ایجاد دولت با بیانی علمی توصیف کرده است. هر روز مدارک و اسناد جدیدی درباره کیفیت زندگی اقوام ابتدایی بدست می‌آید و از برکت این مدارک، دانش ما درباره نخستین اجتماعات بشری، بطور قابل ملاحظه‌ای، غنی‌تر و مشخص‌تر شده است.»^۱

سرگان، پس از مطالعات و تحقیقات در مورد خانواده، به این نتیجه می‌رسد که در روزگار قدیم، روابط جنسی بشر، در داخل قبیله، مقید به هیچ قاعده‌می نبوده، بطوری که هر زن به هر مرد و هر مرد به هر زن تعلق داشته است. مقصود از این که «روابط جنسی بشر مقید نبوده» این است که حدودی که امروز یا در دوره‌های قبل از دورهٔ ما، برای روابط جنسی بشر دیده می‌شود وجود نداشته است؛ مثلاً حسد وجود نداشت، و مسلماً حسد از احساساتی است که بعداً پیدا شد؛ فکر زنای با محارم هم وجود نداشت، زیرا که نه فقط در ادوار اولیه، برادر و خواهر با یکدیگر زن و شوهر بودند بلکه حتی امروز هم، روابط جنسی میان والدین و فرزندان، در میان عده‌ای از قبایل در آلاسکا و آمریکا و شیلی و هندوستان مجاز است. به این ترتیب، تضییقاتی که بعداً در اثر عادت بر جامعه تحمیل شد، در آن روزگار نبود.



به نظر محققان جدید، با گذشت زمان، مناسبات جنسی رو به تغییر نهاد. «جماعات اولیهٔ همغون حق گذاشتند زنان را از داخل اجتماع خود انتخاب کنند. در نتیجه، هر گروه و جماعتی

سعی داشت مناسبات دوستانه‌ای با سایر جماعات داشته باشد تا از جهت استقرار مناسبات جنسی مشکلی ظهور نکند. ازدواج با گروه‌های بیگانه به سلامت انسانها و ازدیاد جمعیت کمک کرد و با لزومی جمعیت، پراکندگی در نقاط مختلف کره زمین بیشتر شد. مردم آن دوران قبل از هر چیز، شکارچیان ماهری بودند و از برکت بنیۀ قوی، شجاعت و بردباری، می‌توانستند حیوانات عظیم‌الجثه را شکار کنند، و به مسافرت‌های دورودراز بپردازند و سرزمین‌هایی را که تا آنوقت پای انسان به آنجا نرسیده بود به‌حیطه تصرف خود درآوردند و در راه‌عمران آن مناطق تلاش کنند. با گذشت زمان، بسیاری از گروه‌های شکارچی و آنهایی که به کارگردآوری مواد غذایی اشتغال داشتند، در سواحل دریاها و کرانه‌های رودها اقامت‌گزیدند.^۱

دکتر گیشمن، ضمن توصیف زندگی «انسان غار»، می‌گوید: «انسان پیش از تاریخ که بیشتر در نجد ایران می‌زیست، در سوراخ‌هایی که در جوانب پردرخت کوه‌ها حفر می‌شد و بوسیله شاخه‌های درختان سست می‌گردید، زندگی می‌کرد... در بهار سال ۱۹۴۹، ما نخستین بار در ایران، آثار و بقایای انسان عهد مزبور را در حفاری غاری در «تنک‌پیده»^۲ در کوه‌های بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر، تشخیص دادیم. در اینجا انسان برای تهیه خوراک خود به شکار می‌پرداخت، و برای این منظور، حیلۀ را پیش از اعمال قدرت به کار می‌برد. وی به طرز استعمال چکش سنگی، تبر دستی، تبری که به چوبدستی شکافدار متصل بود، آشنایی داشت. همه اینها ابزارهای بدوی است که بوسیله صیقل، اندکی از ناهنجاری آنها کاسته می‌شد. آلات استخوانی از قبیل درفش که از استخوان حیوانات می‌ساختند به مراتب کمتر از مصنوعات سنگی متداول بود.»^۳ انسان‌هایی که به کرانه‌های رودها و دریاها روی آوردند «فن ماهیگیری را یاد گرفتند و به شکار انواع خرچنگها، حلزونها و ماهیها توفیق یافتند. ما می‌توانیم در این سواحل، انواع گوش‌ماهیها و مازاد مواد غذایی آنان را بدست آوریم. در حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار سال قبل، انسان توانست تیروکمان را اختراع کند، سگ را اهلی کند. در نتیجه این موفقیتها و کشفیات، محصول و نتیجه شکار فوق‌العاده زیاد شد، و عدۀ کثیری توانستند از این راه تغذیه کنند. در ابتدا، انسانها می‌کوشیدند در مجاورت بیشه‌ها و جنگلهایی که میوه خوراکی زیاد است مسکن‌گزینند، بعد به محافظت نگاهداری این جنگلها، از خطر و ضرر حیوانات درنده، و پرندگان و حشرات موذی بپردازند توفیق یافتند. آدمیان آن دوران، ضمن اینکه ریشه درختها را مورد مطالعه قرار می‌دادند، به کاشتن درختهای مفید همت گماشتند. از همین دوران، نخستین قدم در راه کشاورزی برداشته شد، و کم‌کم بکنک چوب و افزارهای سنگی و استخوانی خاک را پوک و آساده کشت می‌کردند. زندگی ثابت و اسکان یافته، شرایط لازم را برای اهلی کردن حیوانات نیز فراهم کرد. بچه‌سو کهایی که بزور شکاری می‌کردند، در یکجا نگاهداری می‌شدند، تولد سگها، بره‌ها و بزغالها را تربیت می‌کردند، و این حیوانات با انسان آشنا و مانوس گردیدند و نزد انسان باقی ماندند و بتدریج به تولیدمثل پرداختند. هر کس به کشاورزی می‌پرداخت، می‌توانست قسمتی از محصول خود را برای تغذیه حیوانات، صرف کند. به این ترتیب، داسپرووری پایه‌گذاری شد. کشاورزی